

ضرورت بازنگری مالیات بر جمع درآمد



اسکندر جعفری*

مقدمه

هدف از این مقاله این است که قانون مالیات بر جمع درآمد را که از طریق قانون‌گذار حذف شده است، مورد نقد و بررسی قرار دهد و خوبی‌های اجرای مجدد آن را تشریح نماید. از آنجا که ایجاد عدالت اجتماعی و توزیع مناسب درآمد و از بین بردن شکاف طبقاتی در بین اقشار مختلف جامعه یکی از مهم‌ترین اهداف استفاده از ابزار مالیات، خصوصاً مالیات‌های مستقیم، است بنابراین دولت‌ها سیاست‌های مالیاتی خود را برای محقق کردن این هدف از طریق وضع مناسب قانون مالیات‌های مستقیم اعمال می‌کنند. در این مقاله درباره‌ی اصل فایده و توانایی پرداخت مالیات، مالیات بر درآمد، رابطه‌ی مالیات بر درآمد و عدالت مالیاتی، عدم توجیه منطقی در حذف مالیات بر جمع درآمد، و امکان اجرای عملی مالیات بر جمع درآمد بحث می‌شود.

مالیات بر درآمد

باب سوم قانون مالیات‌های مستقیم ایران راجع به مالیات بر درآمد است که براساس مصوبه‌ی سال ۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی آن در سال ۱۳۷۱ به هفت فصل مالیات بر درآمد املاک-کشاورزی-حقوق-مشاغل-اشخاص حقوقی-اتفاقی و جمع درآمد ناشی از منابع مختلف تقسیم می‌شود. بنابراین صاحبان درآمد ضمن پرداخت مالیات براساس هر یک از فصول اول تا ششم در صورتی که از چند منبع به صورت هم‌زمان درآمد کسب کرده باشند مشمول پرداخت مالیات بر جمع درآمد ناشی از منابع مختلف طبق فصل هفتم از باب سوم می‌شوند. اما این فصل از مالیات بر درآمد در اصلاحیه‌ی بهمن ۱۳۸۰ کلاً حذف شد و به‌عمر نظام مالیات بر جمع درآمد خاتمه داده شد.

رابطه‌ی مالیات بر جمع درآمد و عدالت مالیاتی

در مالیات بر مجموع درآمد تمام درآمدهای اشخاص از فعالیت‌های اقتصادی مختلف جمع و به این ترتیب ما به تفاوت مالیات مجموع درآمد و مجموع مالیات‌های کسر شده‌ی قبلی توسط شخص پرداخت می‌شود. شناسایی درآمد مشمول مالیات اشخاصی که بر این اساس باید مشمول نرخ‌های تصاعدی شوند بدون در نظر گرفتن مجموع درآمد اشخاص



اصل فایده و توانایی پرداخت مالیات

اصل فایده متضمن پرداخت مالیات براساس استفاده‌ی اشخاص از امکاناتی است که دولت ارائه می‌کند. در بسیاری از موارد آنها که درآمد و ثروت بیشتری دارند استفاده‌ی بیشتری از امکانات عمومی می‌کنند در نتیجه در بسیاری از موارد براساس اصل فایده، صاحبان درآمد بالاتر در قیاس با صاحبان درآمد پایین‌تر باید مالیات بیشتری پرداخت کنند. علاوه بر آن اصل توانایی پرداخت مالیات، دولت‌ها را به سوی وضع مالیات براساس نرخ‌های تصاعدی هدایت می‌کند که به این ترتیب وظیفه‌ی توزیع مجدد درآمد و ثروت نیز ممکن می‌شود.

حقیقی امکان‌پذیر نیست و بدون وضع نرخ‌های تصاعدی نسبت به مالیات بر مجموع درآمد اشخاص امکان رعایت عدالت مالیاتی فراهم نمی‌شود. چون اشخاص می‌توانند در مواردی که با نرخ‌های تصاعدی مواجه هستند با تنوع دادن به منابع درآمدی از نرخ‌های پایین‌تر استفاده کنند. چنانچه برای مقابله با فرار مالیاتی این اشخاص نرخ‌ها افزایش یابد به افراد کم‌درآمد که تنها از یک منبع درآمد دارند فشار وارد می‌شود.

عدم توجه منطقی در حذف مالیات بر جمع درآمد

ماده‌ی ۱۲۹ قانون مالیات‌های مستقیم

راجع به مالیات بر جمع درآمد است که در اصلاحات بهمن ۱۳۸۰ به طور کلی حذف شده و با کمال تعجب عنوان آن هنوز هم در متن قانون باقی است. در واقع مالیات بر جمع درآمد به این منظور تنظیم شده بود که جایگزین چیزی شود که در نظام‌های مالیاتی

غربی به نام مالیات بر درآمد شخصی (Personal Income Tax) خوانده می‌شود. هدف از آن برقراری سازوکاری بود که کم و بیش بتواند جایگزین همان سامانه‌ی انتساب یا اعتبار مالیاتی رایج در جهان غرب شود. این مسئله نیاز به بررسی جداگانه دارد که ضمن آن همه‌ی جوانب امر مورد بررسی قرار گیرد.

مهم‌ترین دلیلی که برای این اقدام ذکر شده است عدم اجرای مقررات راجع به جمع درآمد و متروک ماندن عملی آن در گذشته است. در مذاکرات مجلس نیز توضیحی در این مورد داده نشد. اما در گروه کارشناسی منصوب از سوی مجلس که تهیه‌کننده‌ی طرح اصلاحیه بوده است خاطر نشان شد "حذف ماده‌ی ۱۲۹ که طی سال‌های گذشته هرگز به مورد اجرا در نیامده در این راستا بود."

امکان اجرای عملی مالیات بر جمع درآمد

اجرای ماده‌ی ۱۲۹ تاکنون مشکلات زیادی را داشته است از جمله تشخیص این که هر مؤدی در مجموع از منابع مختلف چه درآمدی کسب کرده است. غافل از این که امروزه تشخیص آن با سیستم‌های ماشینی به سادگی امکان‌پذیر است. یکی از راهکارهای تشخیص آن از

طریق کدهای ملی اشخاص است. از آنجا که هر درآمد مشمول مالیات اشخاص که توسط سیستم متمرکز وصول مالیات می‌تواند به نام کد ملی اشخاص در کشور ثبت شود پس می‌توان به جمع درآمد هر یک از اشخاص دست یافت. واضح است که این موضوع میسر نیست مگر با به کارگیری سامانه‌ی رایانه‌ای در فرایند مالیات‌گیری از مؤدیان و رد و بدل شدن اطلاعات مالیاتی به صورت منظوم و به موقع که متأسفانه در طرح کد اقتصادی و سامانه‌ی متمرکز اطلاعات و خدمات مالیاتی توفیقی چشمگیر حاصل نشد. راه دیگر تقویت نظام خود اظهاری و وضع جرایم حقوقی و جزایی سنگین برای فرار مالیاتی است.

نتیجه‌گیری

حذف قانون مالیات بر جمع درآمد مغایر با اهداف اقتصادی مالیات‌ستانی است. جوهر و ماهیت مالیات بر جمع درآمد آن است که عدالت اجتماعی ایجاد می‌کند صاحبان درآمد بالاتر در قیاس با صاحبان درآمد پایین‌تر مالیات بیشتری بپردازند. بنابراین محاسبه و دریافت مالیات بر جمع درآمد مستلزم وجود یک نظام کارا در ثبت همه‌ی عملیات مالی و پولی در کشور و نظام کنترلی قوی ولی کم‌حضور در عرصه‌ی حصول اطمینان از صحت اظهارات اشخاص است. این نظام علاوه بر تأمین عدالت مالیاتی و دریافت مالیات بر درآمد بر اساس اصل توانایی پرداخت موجب ثبت همه‌ی عملیات-حذف عملیات اقتصادی پنهانی و زیرزمینی- حذف شرایط فرار از مالیات و الزام به مستند کردن همه‌ی معاملات و در نهایت حذف تمام اشکالاتی می‌شود که در حال حاضر گریبانگیر نظام اقتصادی کشور و از جمله نظام مالیاتی است و انجام آن نیاز به عزم ملی برای کوتاه کردن دست تبهکاران اقتصادی دارد.

* عضو هیأت علمی حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی قائم‌شهر

